

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه اصفهان
دانشکده علوم اداری و اقتصاد
گروه علوم سیاسی

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته علوم سیاسی

مطالعه تطبیقی تغییرات اجتماعی ایران و ترکیه در دوران رضاشاه و آتاتورک

استاد راهنما:

دکتر حسین هرسیج

استاد مشاور:

دکتر حسین مسعودنیا

پژوهشگر:

صمد اکبرزاده کهریزی

مهر ماه ۱۳۹۰

کلیه حقوق مادی مترتب بر نتایج مطالعات، ابتکارات
و نوآوری های ناشی از تحقیق موضوع این پایان نامه
متعلق به دانشگاه اصفهان است.



دانشگاه اصفهان

دانشکده علوم اداری و اقتصاد

گروه علوم سیاسی

پایان نامه ی کارشناسی ارشد رشته ی علوم سیاسی آقای صمد اکبرزاده کهریزی تحت عنوان

مطالعه تطبیقی تغییرات اجتماعی ایران و ترکیه در دوران رضاشاه و آتاتورک

در تاریخ ۱۳۹۰/۷/۱۲ توسط هیأت داوران زیر بررسی و با درجه عالی..... به تصویب نهایی رسید.

امضا

۱- استاد راهنمای پایان نامه دکتر حسین هرسیج با مرتبه ی علمی دانشیار

امضا

۲- استاد مشاور پایان نامه دکتر حسین مسعودنیا با مرتبه ی علمی استادیار

امضا

۳- استاد داور داخل گروه دکتر عباس حاتمی با مرتبه ی علمی استادیار

امضا

۴- استاد داور خارج از گروه دکتر مرتضی دهقان نژاد با مرتبه ی علمی دانشیار

امضای مدیر گروه



سپاس و ستایش مخصوص فدای بی‌همتایی است که سررشته تمام امور به دست اوست، اما به حکم این فرموده که: "من لم یشکر المفلوق لم یشکر الفالق"، بر خود لازم میدانم که زحمات بی‌حد و مهر و بی‌شائبه استاد محترم، راهنما آقای دکتر حسین هرسیج که فراتر از استاد، راهنما عمل کرده، را ارج نهاده و از استاد محترم مشاور، دکتر حسین مسعودنیا، که از هیچ کوششی در راه انجام این پژوهش دریغ نکردند، قدردانی به عمل آورم. همچنین از کلیه اساتید محترم گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل دانشگاه اصفهان به ویژه دکتر شهروز ابراهیمی که طی دو سال از حضورشان بهره برده‌ام، کمال سپاسگزاری را دارم. از دکتر سلامی کیلیچ و دکتر ییلدیز آک پولات اساتید تاریخ و جامعه‌شناسی دانشگاه آتاتورک شهر ارزوروم ترکیه نیز که راهنمایی‌های ارزنده‌شان، در پیشبرد فصل چهارم تحقیق، بسیار مؤثر بود، قدردانی می‌نمایم. از زحمات فراوان دوستان عزیزم اکبر حسین زاده فارغ‌التحصیل رشته کتابداری دانشگاه اصفهان و نیز ابراهیم رمضان‌دانشجوی جامعه‌شناسی دانشگاه حاجت‌تپه آنکارا که بدون هیچ چشم‌داشتی مرا در انجام این پایان‌نامه یاری دادند، نیز کمال تشکر را دارم.

تقديم به

پدرم و مادرم

چکیده

استقرار حکومت رضاشاه در ایران و آتاتورک در ترکیه که اغلب به عنوان حکومت های دیکتاتوری شناخته می شوند، سرآغاز دوران خاصی در تاریخ دو کشور محسوب می شود. اغلب تحولات و تغییرات اجتماعی- سیاسی معاصر ایران و ترکیه، با روی کار آمدن رضاشاه و آتاتورک مقارن است. سال های ۱۳۲۰-۱۳۰۴ش/۱۹۴۱-۱۹۲۳م در ایران و ۱۹۳۸-۱۹۲۳م/۱۳۱۷-۱۳۰۴ش در ترکیه دوران پی ریزی نظامی جدید بود که شاید بتوان گفت شالوده و بنیان دولت- ملت های ایران و ترکیه را تشکیل می دهد. در این دوران تحولاتی در جامعه دو کشور روی داد که می توان از آنها به عنوان طرح های نوسازی یاد کرد.

حاکمان ایران و ترکیه به عنوان کارگزاران نظام جدید، مهمترین عوامل عقب ماندگی جوامع خود را حاکمیت سنت و به ویژه ایستارهای دینی بر زندگی و افکار مردم می دانستند و به همین دلیل تلاششان این بود که با انجام برخی تغییرات اجتماعی، ممالک خود را در مسیر توسعه قرار داده و به سطح دولت های غربی برسانند. در راستای رسیدن به این هدف، یک سلسله اقدامات در حوزه های مختلف اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی از سوی حکومت های رضاشاه و آتاتورک انجام پذیرفت که در بروز تغییرات بنیادی در ساختار اجتماعی دو کشور مؤثر واقع گردید.

هدف پژوهش حاضر این است که با تکیه بر منابع موجود، از یک سو تا حد امکان به ارزیابی و تحلیل تغییرات اجتماعی مزبور بپردازد و از سوی دیگر با مقایسه این تغییرات در دو کشور ایران و ترکیه، شباهت ها و تفاوت های اقدامات سیاسی- اجتماعی رضاشاه و آتاتورک را نیز مورد بررسی قرار دهد.

کلیدواژه ها: تغییرات اجتماعی، نوسازی، توسعه، دیکتاتوری

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
	فصل اول: کلیات پژوهش
۱-۱-۱	مقدمه.....
۲-۱	تبیین مسأله پژوهشی.....
۳-۱	اهداف تحقیق.....
۴-۱	اهمیت و ارزش تحقیق.....
۵-۱	کاربرد نتایج پژوهش.....
۶-۱	فرضیات و سؤالات تحقیق.....
۷-۱	پیشینه و تاریخچه موضوع تحقیق.....
۸-۱	تعاریف و مفاهیم.....
۹-۱	روش تحقیق.....
۹-۱-۱	ابزار گردآوری داده ها.....
۹-۱-۲	ابزار تجزیه و تحلیل.....
۹-۱-۳	سازماندهی تحقیق.....

فصل دوم: مبانی نظری تغییرات اجتماعی

۱-۲	دیدگاههای نظری در باب تغییرات اجتماعی.....
۱-۱-۲	نظریه های تکامل اجتماعی.....
۲-۱-۲	نظریه های کارکردگرایی ساختاری.....
۳-۱-۲	نظریه های تضاد.....
۴-۱-۲	نظریه های روان شناختی.....
۵-۱-۲	نظریه های نخبگی.....
۲-۲	گی روشه و تغییرات اجتماعی.....
۱-۲-۲	مفهوم تغییر اجتماعی.....
۲-۲-۲	خصوصیات تغییر اجتماعی.....
۳-۲-۲	عوامل و شرایط تغییر اجتماعی.....
۴-۲-۲	کارگزاران تغییر اجتماعی.....

عنوان	صفحه
۵-۲-۲- تغییرات اجتماعی متأثر از جریان صنعتی شدن، توسعه و نوسازی.....	۲۵
۶-۲-۲- تغییر در فرهنگ و ایستارها.....	۲۷
۳-۲- شرح برخی مفاهیم مرتبط با موضوع.....	۲۸
۱-۳-۲- تجدد.....	۲۸
۲-۳-۲- نوسازی.....	۲۹
۳-۳-۲- سنت و سنت گرایی.....	۳۰
۴-۳-۲- رابطه سنت و تجدد.....	۳۱

فصل سوم: تغییرات اجتماعی ایران در دوران رضاشاه

۱-۳- پیشینه تغییرات اجتماعی در ایران قبل از حاکمیت رضاشاه.....	۳۴
۲-۳- روی کار آمدن رضاشاه.....	۳۹
۳-۳- رضاشاه و قدرت.....	۴۱
۴-۳- تشکیل ارتش نوین.....	۴۴
۵-۳- باستانگرایی و مرکزگرایی فرهنگی.....	۴۶
۶-۳- دین ستیزی.....	۵۰
۷-۳- توسعه نظام آموزشی.....	۵۳
۸-۳- توسعه نظام سرمایه داری.....	۵۷
۹-۳- اسکان عشایر.....	۵۹
۱۰-۳- لباس و پوشش.....	۶۲
۱۱-۳- افزایش مشارکت زنان در جامعه.....	۶۵
۱۲-۳- واکنش ها در برابر تغییرات اجتماعی دوران رضاشاه.....	۶۷
۱۳-۳- نتیجه گیری.....	۷۰

فصل چهارم: تغییرات اجتماعی ترکیه در دوران آتاتورک

۱-۴- پیشینه تغییرات اجتماعی در ترکیه قبل از حاکمیت آتاتورک.....	۷۴
۱-۱-۴- دوران سلیم سوم (۱۷۸۹-۱۸۰۷) و محمود دوم (۱۸۳۹-۱۸۰۸).....	۷۵
۲-۱-۴- دوره تنظیمات (۱۸۳۹-۱۸۷۶).....	۷۶
۳-۱-۴- دوره مشروطیت (۱۸۷۶-۱۹۰۸) (مشروطه اول).....	۷۷

عنوان	صفحه
۴-۱-۴- ترکان جوان (۱۹۰۸) (مشروطه ثانی).....	۷۸
۴-۲- روی کار آمدن آتاتورک.....	۸۰
۴-۳- آتاتورک و قدرت.....	۸۴
۴-۴- اصلاحات آتاتورک و نقش ارتش در آن.....	۸۷
۴-۵- ناسیونالیسم آتاتورکی.....	۸۹
۴-۶- دین ستیزی.....	۹۱
۴-۷- توسعه نظام آموزشی.....	۹۳
۴-۸- توسعه نظام سرمایه داری.....	۹۵
۴-۹- الفبای لاتین و تغییرات در حوزه زبان.....	۹۸
۴-۱۰- لباس و پوشش.....	۱۰۱
۴-۱۱- افزایش مشارکت زنان در جامعه.....	۱۰۳
۴-۱۲- واکنش ها در برابر تغییرات اجتماعی دوران آتاتورک.....	۱۰۵
۴-۱۳- نتیجه گیری.....	۱۰۹

فصل پنجم: فرجام: بررسی مقایسه ای تغییرات اجتماعی ایران و ترکیه در دوران رضاشاه و آتاتورک

۵-۱- وجوه تشابه.....	۱۱۲
۵-۲- وجوه اختلاف.....	۱۱۵
نتیجه گیری.....	۱۱۹
منابع و مأخذ.....	۱۲۳

فصل اول

کلیات پژوهش

۱-۱ مقدمه

بررسی های مقایسه ای در علوم سیاسی به طور اعم و مقایسه ساختارهای اجتماعی - سیاسی کشورها به طور
اخص، پژوهشگر این حوزه را به مطالعات مفیدی سوق می دهد که می تواند در شناسایی ویژگی ها و مسائل جوامع
سیاسی مختلف مؤثر واقع گردد. تغییرات اجتماعی نیز از ویژگی های مهم جوامع سیاسی است که کم و بیش در همه
کشورها به وقوع پیوسته و نقش بسزایی در شکل دهی به سامان سیاسی آنها داشته است. حال اگر بخواهیم دو کشور
مختلف را از لحاظ نحوه وقوع و نوع تغییرات اجتماعی در آنها مورد مطالعه مقایسه ای و تطبیقی قرار دهیم، نتایجی
که از این مطالعه حاصل خواهد شد، از یک طرف باعث آشنایی محقق با تغییرات اجتماعی جوامع و از سوی دیگر
آگاهی از بنیان های تاریخ مدرن جوامع می گردد. چرا که می توان گفت شروع تاریخ مدرن و معاصر جوامع به ویژه
جوامع شرقی و خاورمیانه ای با یک سری تغییرات و تحولات اجتماعی همراه بوده است. تغییراتی که عمدتاً با
مفاهیمی همچون توسعه، نوسازی و غربی سازی مترادف پنداشته شده اند.

ایران و ترکیه نیز به عنوان کشورهایی که در جوار و همسایگی یکدیگر قرار گرفته اند دارای ویژگی های مشترک فراوانی هستند که این نیز به نوبه خود زمینه را برای مطالعه تطبیقی این دو جامعه سیاسی در حوزه های مختلف فراهم می سازد. تاریخ معاصر دو کشور فوق پر است از تغییرات و تحولات اجتماعی که در نوع ساختار اجتماعی- سیاسی آنها تأثیرات زیادی را بر جای گذاشته است. این تغییرات برای اولین بار و به صورت گسترده از اوایل قرن بیستم و با روی کار آمدن رضاشاه و آتاتورک^۱ در ایران و ترکیه صورت پذیرفت. تغییراتی که در پی ریزی بنیان دولت- ملت های نوین دو کشور نقش به سزایی را ایفا کرد. همین امر نیز اهمیت و ضرورت این مطالعه را نشان داده و ما را به ارزش نتایج حاصل از تحقیق رهنمون می نماید. قبل از این دوران، دولت های قاجار و عثمانی، هرچند از بسیاری لحاظ قابل مقایسه نبودند، با اقتدار سنتی خود، تغییرات در حوزه جامعه را با منافع خود ناسازگار می دیدند. هرچند که در اواخر دوران مورد بحث تلاش هایی از سوی نخبگان قاجار و عثمانی در راستای نوسازی و توسعه انجام گرفت که شاید در بعضی مواقع کم تأثیر نیز نبودند. مناسبات بین المللی و وقوع جنگ جهانی اول و تغییر نقشه سیاسی جهان نیز می توانست دلیل دیگری بر افزایش میل به تغییرات در دوره بعد باشد. هرچند که رضاشاه و آتاتورک در پیشبرد سیاست های خود در زمینه توسعه و نوسازی دارای ویژگی های مشترکی به ویژه بر مبنای غربگرایی بودند، لیکن با توجه به زمینه های سیاسی و اجتماعی متفاوت این دو شخص و جامعه تحت حکومتشان، تفاوت هایی نیز در نوع، نحوه و نتایج تغییرات اجتماعی شان قابل تشخیص بود.

۱-۲- تبیین مساله پژوهشی

دوران حکومت رضاشاه در ایران و آتاتورک در ترکیه از سوی محققان و پژوهشگران داخلی و خارجی، مورد ارزیابی های گوناگونی قرار گرفته است. از آنجایی که این دو حاکم بعد از روی کار آمدنشان به قدرت سیاسی زیادی دست یافتند لذا سلطه و سیطره نظام حکومتی آنان امکان مداخله در امور اقتصادی و اجتماعی را بیش از پیش فراهم کرد. در این دوره، تلاش هایی از سوی رضاشاه در ایران و آتاتورک در ترکیه جهت صنعتی کردن و افزایش قدرت و نفوذ حکومت مرکزی بر تمامی سطوح جامعه شان و همچنین اقداماتی در زمینه تغییرات اجتماعی صورت گرفت. با شروع دهه بیستم قرن بیستم هر دو کشور ایران و ترکیه به رهبری رضاشاه و آتاتورک گام در تجربیات نوینی گذاشتند که خواهان جدایی از دنیای قدیم و ادغام در دنیای نوین بودند.

^۱ - Mustafa Kemal Atatürk

ایران و عثمانی در طی قرون متمادی و همچنین ایران و ترکیه نوین از اوایل قرن بیستم به بعد همواره به عنوان قدرت های منطقه ای در خاورمیانه از سوی بازیگران بین المللی شناسایی شده اند (هرچند ایران بعد از شکست از روسیه و در اواخر قرن نوزدهم قدرت خود را تا حد زیادی از دست داده بود). و با توجه به همسایگی دو کشور و ارتباطات تاریخی فراوان بین ایران و ترکیه و نیز به این دلیل که مشابهت های فرهنگی بی شماری را می توان در دو جامعه ایران و ترکیه مشاهده نمود، مقایسه سیاست، حکومت و جامعه این دو کشور ضروری می نماید. تغییرات اجتماعی دو کشور نیز بعد از روی کار آمدن رضاشاه و آتاتورک نیز مسئله ای بود که بایستی بدان پرداخته می شد. این پژوهش با شرح تغییرات اجتماعی رخ داده در دو کشور ایران و ترکیه بعد از جنگ اول به بررسی مکانیسم ها و علل این تغییرات پرداخته شباهت ها و تفاوت های هر دو جامعه را از لحاظ این تحولات به شیوه مقایسه ای مطالعه کرده و اشاره ای نیز به آثار آن در حال حاضر (۹۰-۱۳۸۹) خواهد کرد چرا که شالوده بسیاری از ساختارهای سیاسی- اجتماعی دولت- ملت های ایران و ترکیه با روی کار آمدن این دو حاکم ریخته شده است و به نوعی می توان گفت که اقدامات توسعه ای رضاشاه و آتاتورک و تغییرات اجتماعی نشأت گرفته از آن بنیان نظام سیاسی- اجتماعی ایران و ترکیه را شکل داده است.

شیوه پژوهش مقایسه ای است، روش مقایسه ای می تواند آگاهی محقق را درباره پدیده مورد مطالعه افزایش دهد، او را از تعمیمات بیجا بازدارد و موجب استفاده از تجارب مطلوب دیگر جوامع در تدوین و اجرای سیاست ها و استفاده بهینه از منابع و امکانات گردد. جیوانی سارتوری بر این باور است که «مقایسه سیستم ها، سیاست ها و جوامع به معنای شناسایی موارد تشابه و تمایز از یکدیگر است. به عبارت دیگر درباره مواردی که از همه جهات شبیه یکدیگر هستند یا از همه جوانب با یکدیگر اختلاف دارند، مقایسه معنا ندارد» (هرسیچ، ۱۳۸۰: ۱۷-۷).

شاخصه های مهم تغییر اجتماعی نیز این است که اولاً این تغییر یک پدیده جمعی است، یعنی باید یک جامعه یا بخش مهمی از یک جامعه را دربرگیرد. دوم اینکه یک تغییر اجتماعی باید یک تغییر ساختی باشد یعنی تغییری که در کل سازمان اجتماعی یا در بعضی از قسمت های تشکیل دهنده سازمان اجتماعی حادث شود. سوم اینکه تغییر ساختی در طول زمان شناخته می گردد، به عبارت دیگر باید بتوان بین دو نقطه یا چند مقطع زمانی، مجموعه تغییرات یا نتایج آنها را مشخص نمود. چهارم اینکه تغییر اجتماعی برای آنکه واقعا یک تغییر ساختی باشد باید مداوم و استوار باشد و به عبارت دیگر فقط سطحی و زودگذر نباشد. و بالاخره با توجه به چهار خصوصیت ذکر شده فوق می توان چنین خلاصه نمود که تغییر اجتماعی در جریان تاریخی یک جامعه اثر می گذارد، به دیگر سخن اگر تغییر اجتماعی خاصی حادث نمی گشت، جامعه معینی مسیر متفاوتی را می پیمود (روشه، ۱۳۸۹: ۳۰-۲۹).

تغییرات اجتماعی مورد بحث در دو جامعه ایران و ترکیه در مقطع زمانی حاکمیت رضاشاه و آتاتورک، بسیاری از حوزه ها را دربر گرفته است؛ حوزه های گوناگون سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، نظامی و ایستارهای سیاسی و اجتماعی مردم از جمله مهمترین حوزه های تغییر اجتماعی در این دوره بودند. تغییرات در ساختارهای سیاسی - اجتماعی از مهمترین موضوعات مورد بررسی این پژوهش خواهد بود. اگر به صورت دقیقتر بخواهیم نمونه هایی از این تغییرات را ذکر کنیم می توان در حوزه سیاسی به ایجاد دولت مطلقه، استقرار نظام جمهوری در ترکیه و ادامه سنت پادشاهی در ایران، در حوزه فرهنگی به یکسان سازی فرهنگی و تاکید بر مرکزگرایی فرهنگی، در حوزه اقتصادی به ایجاد و گسترش نظام های نوین بانکی و قدرت یافتن سرمایه داری، در حوزه نظامی به مدرن سازی ارتش و تاکید بر نقش برتر آن در پیشبرد سیاست های دولت و در حوزه اجتماع و جامعه به دین ستیزی، نوع لباس و پوشش مردم و اصلاح زبان اشاره کرد. چنانکه ذکر شد تاکید این مطالعه بیشتر بر جنبه های سیاسی این تغییرات و نیز تاثیر تغییرات ذکر شده در ساختار سیاسی دو کشور خواهد بود. آنچه که باید گفت این است که، تغییرات اجتماعی فوق بیشتر به صورت آمرانه، از بالا به پایین و بدون شکل گیری تدریجی پایه های آن در بطن جامعه در مقایسه با جوامع غربی بود و رضاشاه و آتاتورک به مانند دیکتاتورهای مصلح خواستار نوسازی هرچه سریعتر جوامع خویش بودند هرچند که نوع، شرایط و شیوه این تغییرات در دو کشور، وجوه افتراقی نیز داشت.

۱-۳- اهداف تحقیق

- تبیین شباهت ها و تفاوت های تغییرات اجتماعی ایران و ترکیه در دوره حاکمیت رضاشاه و آتاتورک
- بررسی علل و زمینه های این تغییرات
- تبیین اثرات تغییرات اجتماعی مورد بحث در ساختار سیاسی دو کشور ایران و ترکیه

۱-۴- اهمیت و ارزش تحقیق

در نوشته ها و گفتارهای نویسندگان و اقدام کنندگان سیاسی همواره شاهد مقایسه و یکسان انگاری شخصیت و اعمال سیاسی رضاشاه و آتاتورک می باشیم. در حالیکه بیشتر این متون و نطق ها بدون یک چارچوب نظری خاص و تنها براساس سطحی نگری و بدون در نظر گرفتن شباهت ها و تفاوت ها و همچنین شرایط این دو شخص و شرایط زمانی و مکانی دو کشور ایران و ترکیه براساس یک تحلیل علمی می باشد. اهمیت این پژوهش در این می

تواند باشد که قابلیت ارائه زمینه ها و علل سیاست های نوسازی، غربی سازی، دین ستیزی و یکسان سازی فرهنگی و... رضاشاه و آتاتورک که در چارچوب کلی تر تغییرات اجتماعی است را داراست.

۱-۵- کاربرد نتایج پژوهش

- ارائه نمونه ای برای مطالعات تطبیقی در حوزه علوم سیاسی به طور عام و تغییرات اجتماعی به طور خاص
- آشنایی با بنیان های سیاسی-اجتماعی ترکیه معاصر
- آماده کردن مواد خام روابط خارجی کشورمان با ترکیه براساس تحلیل تاریخی شرایط دو کشور در اوایل قرن بیستم و تاثیر آن بر شرایط کنونی دو کشور
- آشنایی با پایه های جمهوریت و تحزب در ترکیه و علل عدم شکل گیری کامل آن در ایران و کاربرد آن در مطالعات توسعه سیاسی

۱-۶- فرضیات و سؤالات تحقیق

سوال اصلی

- شباهت ها و تفاوت های تغییرات اجتماعی ایران و ترکیه در دوره حاکمیت رضاشاه و آتاتورک کدامند؟

سؤالات فرعی

- علل و زمینه های تغییرات اجتماعی در دو کشور ایران و ترکیه در دوران رضاشاه و آتاتورک چیست؟
- اثرات تغییرات اجتماعی مورد بحث در ساختار سیاسی دو کشور ایران و ترکیه کدامند؟

فرضیه اصلی

- تغییرات اجتماعی صورت گرفته در ایران و ترکیه زمان رضاشاه و آتاتورک با وجود شباهتهایشان در توسعه خواهی، نوگرایی، کاهش قدرت روحانیون، تمرکزگرایی فرهنگی و نظامی گری از سوی حاکمان تفاوت هایی را نیز به مانند پایه گذاری جمهوریت در ترکیه و ادامه سنت پادشاهی در ایران، تساهل سیاسی بیشتر در ترکیه در مقایسه با ایران و مقاومت کمتر دین در ترکیه در مقایسه با ایران داشته است.

فرضیات فرعی

- زمینه های تغییر اجتماعی در اواخر دوره قاجاریه در ایران و اواخر دوره عثمانی در ترکیه به ویژه در سطح نخبگان این دو کشور آماده بود.

- با روی کار آمدن رضاشاه و آتاتورک تغییرات اجتماعی به صورت آمرانه و با سرعت بیشتری به وقوع پیوست.

- تغییرات اجتماعی صورت گرفته در این دوره تاثیر به سزایی در شکل گیری ساختار سیاسی دو کشور داشت.

۱-۷- پیشینه و تاریخچه موضوع تحقیق

کتابها و نوشته هایی که به موضوع حکومت رضاشاه و اقدامات وی پرداخته اند کم نیستند، اما بیشتر این نوشته ها به صورت بخشی کوچک در کنار بررسی طولانی تری از تاریخ ایران به رشته تحریر درآمده اند و کتاب هایی که فقط به این دوره خاص و به ویژه تغییرات اجتماعی آن توجه کرده اند از شمار کمتری برخوردارند.

اما راجع به ترکیه می توان گفت که فقر منابع احساس می شود، در حالیکه اقتضاء همجواری ایجاب می کرد نویسندگان ما بیشتر به مسائل جامعه ترکیه پردازند و خصوصا راجع به دوران آتاتورک و تغییرات اجتماعی زمان وی منابعی که بتواند تصویر خوبی از این موضوع برای خواننده ترسیم کند به ندرت دیده می شود. در پایان به شکل اختصار، به چند منبع متناسب با موضوع، اشاره می شود:

کۆک ار^۱ (۱۹۹۰) در کتاب «مدرنیزاسیون، کمالیسم و دموکراسی»؛ که به زبان ترکی استانبولی نوشته شده به بررسی پیامدهای اقدامات مدرن سازی آتاتورک و به تبع آن پیدایش تفکر کمالیستی در بین بخشی از روشنفکران و سیاسیون ترکیه و نحوه تطبیق آن با دموکراسی پرداخته است. بخش های مهمی از این کتاب به تغییرات اجتماعی دوران آتاتورک که نویسنده از آن به عنوان طرح های تغییر اجتماعی یاد می کند، اشاره کرده است که نشان از ماهیت پروژه ای بودن این تغییرات دارد.

مساواتی آذر (۱۳۷۲) در کتابی تحت عنوان «دیدگاه های جامعه شناسی درباره تغییرات اجتماعی» بیشتر به گردآوری نظریات مختلف جامعه شناختی در حوزه تغییرات اجتماعی در چارچوب های کلی تری به مانند

^۱ -Levent Köker

ماتریالیسم تاریخی، اصل تقدم اندیشه، جمعیت و تغییرات اجتماعی، انقلاب و تغییرات اجتماعی پرداخته است. علی رغم اینکه این اثر می تواند راهنمای خوبی در مورد نظریات تغییرات اجتماعی باشد لیکن به دلیل غفلت در مورد عامل نخبگی (آنچه که گوی روش کارگزاران تغییر می خواند و بار سیاسی مهمی را در مورد موضوع پژوهش حاضر به همراه دارد) نمی تواند چارچوبی نظری برای این تحقیق باشد.

موثقی (۱۳۸۰) در مقاله ای با عنوان «بررسی تجربه نوسازی فرهنگی و سیاسی در ترکیه در فاصله سال های ۱۹۵۰-۱۹۲۰» به بررسی نوسازی در دوران حکومت آتاتورک و عصمت اینونو پرداخته است. به نظر وی این تغییرات با زور و فشار از بالا اتفاق افتاده است و با سنت و روح جامعه ترکیه همخوانی ندارد. همچنین وی دلیل تکرر حزبی در ترکیه کنونی را محصول نارضایتی اقشار و نخبگان مختلف نسبت به سیستم حکومتی آتاتورک و اینونو در کنار تحولات پس از جنگ جهانی دوم می داند. علی رغم وجود پاره ای از حقایق در این تحقیق، به نظر می رسد که مقاله ایشان با یک نوع سوگیری و عدم بی طرفی علمی همراه است.

اتابکی (۱۳۸۵) در کتابی تحت عنوان «تجدد آمرانه؛ جامعه و دولت در عصر رضاشاه»؛ به گردآوری مقالات مختلفی از کاتوزیان، اتابکی خود مؤلف، متیو الیوت، استفانی کرونین و... پرداخته است. در برخی از این مقالات به مقایسه سیاست های رضاشاه و آتاتورک نیز اشاره شده است. به علت مجموعه ای بودن کار و وجود مقالات و نوشته های مختلف در کتاب و عدم نتیجه گیری مؤلف از این نوشته ها نمی توان در مورد میزان موقیت کتاب بحث کرد. تنها می توان از این مقالات به عنوان منبع در پیشبرد پایان نامه استفاده کرد.

احمدوند (۱۳۸۶) در پایان نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان «روابط ایران و ترکیه در دوره پهلوی اول»؛ هرچند به صورت خیلی کوتاه به نحوه روی کار آمدن رضاشاه و آتاتورک و اقدامات آنها در جوامع ایران و ترکیه پرداخته است، ولی تاکید نوشته بیشتر روی روابط این دو کشور می باشد.

کاستی عمده این پژوهش نبود منابع به زبان ترکی استانبولی است، چرا که استفاده از منابع هر دو کشور می توانست غنای زیادی به این تحقیق بخشد.

کشاوری (۱۳۸۶) در پایان نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان «تحلیل و ارزیابی تغییرات اجتماعی در دوران سلطنت رضاشاه»؛ تلاش مفیدی در جهت شناسایی تغییرات اجتماعی دوران رضاشاه انجام داده است لیکن به علت شیوه خاص نگارش برخی پایان نامه های گروه تاریخ، نظم و چارچوب نظری خاصی را دارا نیست و تنها به شرح وقایع پرداخته شده و به علل و زمینه های آن که تنها با یک دید سیاسی و جامعه شناختی قابل دسترسی است، اشاره ای نشده است. همچنین به رغم عنوان اصلی این پایان نامه که همانا تغییرات اجتماعی می باشد، این مهم در

بخش های مختلف پژوهش در اشاراتی به نسبت کوتاه و جدا از تغییراتی به مانند دگرگونی های آموزشی، نظامی و اقتصادی دیده شده که نشان از درهم ریختگی نظری و چارچوبی کار دارد.

۱-۸- تعاریف و مفاهیم

تغییرات اجتماعی (Social Changes)

تغییر اجتماعی عبارت است از تغییری قابل رؤیت در طول زمان به صورتی که موقتی و یا کم دوام نباشد، بر روی ساخت یا وظایف سازمان اجتماعی یک جامعه اثر گذارد و جریان تاریخ آن را دگرگون نماید (روشه، ۱۳۸۹: ۳۰). تحولات اجتماعی متفاوت است از تغییرات اجتماعی چراکه، تحول اجتماعی مجموعه فرایندهایی است که در یک مدت زمان کوتاه قابل مشاهده نیستند و مجموعه ای از تغییرات محسوب می شود که در طول یک دوره طولانی و طی چند نسل روی می دهد و به عکس تغییر اجتماعی لزوماً در محدوده یک محیط جغرافیایی و اجتماعی صورت نمی پذیرد (همان: ۲۶).

نوسازی (Modernization)

ایجاد تغییراتی در تلقیات فردی، رفتار اجتماعی، اقتصاد و سیاست. این واژه در قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم معمولاً به معنی رشد تعقل و نادینی گری به کار می رفت. اینک، نوسازی غالباً یا معنی رشد اقتصادی را دارد که شامل خصوصی سازی، کوچک شدن سهم صنعت و دولت، بازسازی بازار کار و نظام آموزشی است و یا مترادفی است برای واژه های غربی شدن و نوگرایی (آقابخشی و افشاری راد، ۱۳۸۳: ۴۵۲).

توسعه (Development)

تغییر در مسیر هدف های جامعه که مطلوب همگان است و خصوصاً تحت هدایت زمامداران امور در کشورهای ملی صورت می گیرد (ماتیل، ۱۳۸۳، ج ۱: ۳۱۹).
 فرآیندی که کوششهای مردم و دولت را برای بهبود اوضاع اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی هر محل هماهنگ کند، مردم این محل را در زندگی یک ملت ترکیب نماید و آنها را تماماً برای مشارکت در پیشرفت ملی توانا سازد (آقابخشی و افشاری راد، ۱۳۸۳: ۱۷۹).

دیکتاتوری (Dictatorship)

دیکتاتوری نوعی قدرتمداری است که چند از این ویژگیها را داشته باشد: الف) در کار نبودن هیچ نوع قانون یا سنتی که کردار فرمانروا یا فرمانروایان را محدود می کند و یا آنکه فرمانروا با قدرت نامحدود خود آنها را زیر پا گذاشته باشد؛ ب) به دست آوردن قدرت دولت با شکستن قانونهای پیشین؛ پ) نبودن قاعده و قانونی برای جانشینی؛ ت) به کار بردن قدرت در جهت منافع گروه اندک؛ ث) فرمانبرداری مردم از قدرت دولت تنها به سبب ترس از آن؛ ج) انحصار قدرت در دست یک نفر؛ چ) به کار بردن ترور به عنوان وسیله اصلی کاربست قدرت. برخی از این سنجها همگانی ترند، چنانکه می توان صفات دیکتاتوری را در مطلق بودن قدرت، به زور به دست آوردن قدرت و نبودن قواعدی منظم برای جانشینی خلاصه کرد (آشوری، ۱۳۸۷: ۱۷۱).

۱-۹- روش تحقیق

در این پژوهش با توجه به ماهیت موضوع مورد بررسی از داده های تاریخی، توصیف داده ها و همچنین از روش تحلیلی برای تبیین وقایع استفاده شده است. بنابراین روش به کار گرفته شده روش توصیفی-تحلیلی می باشد. روش بررسی فرضیه این پایان نامه نیز به صورت مقایسه ای است. به کارگیری روش مقایسه ای در مطالعه جوامع، نظام ها، پدیده ها و خط مشی های سیاسی از اهمیت ویژه ای برخوردار است. روش مقایسه ای می تواند محدودیت ها و نارسایی های روش های مختلف سنتی، موردی و آماری را جبران سازد و محقق را در تدوین نظریات با توجه به نقاط مشترک بین نمونه های مورد مطالعه و طبقه بندی پدیده ها، با عنایت به نقاط تمایز موجود بین نمونه ها یاری کند (هرسیچ، ۱۳۸۰: ۷).

۱-۹-۱- ابزار گردآوری داده ها

در این تحقیق برای جمع آوری اطلاعات از روش کتابخانه ای (فیش برداری) استفاده شده که شامل کتب، مقالات، نشریات و منابع اینترنتی است.

۱-۹-۲- ابزار تجزیه و تحلیل

گی روشه^۱ در کتابی با نام «تغییرات اجتماعی»؛ سعی در ارائه چارچوبی نظری برای مفهوم تغییرات اجتماعی دارد. مترجم کتاب در پیشگفتار می نویسد: «گی روشه نظریه های تغییر اجتماعی را، به ویژه با توجه به دیدگاههای

^۱ - Guy Rocher

جامعه‌شناسان معاصر از قبیل رالف دارندورف (نظریه تضاد)، آلن تورن (اکسیونالیسم)، مک کله‌لند (انگیزه و نیاز به موفقیت) و رایت میلز (نظریه نخبگان)، به بحث کشیده و در هر مورد تحلیل و نتیجه‌گیری خود را بر آنها افزوده است. یکی از ویژگی‌های کتاب، روحیه علمی حاکم بر مباحث آن است که در اغلب نقد و بررسی‌های مؤلف به روشنی عیان است. هر چند وی معتقد است که گوی روشه‌گهگاهی نظرات خود را تعمیم داده و بدون شناخت یا در نظر گرفتن شرایط فرهنگی جوامع مختلف به کلی‌گویی پرداخته است اما در ادامه می‌نویسد «این کتاب در عین حال الگویی از مطالعه و بررسی دگرگونی‌های اجتماعی را به دانش پژوهان ارائه داده است که می‌تواند به ویژه در بررسی‌های جامعه‌شناسی تاریخی مورد استفاده و اقتباس قرار گیرد». بنابراین می‌توان گفت کارگی روشه توانایی تحلیل تغییرات اجتماعی مورد نظر را داراست.

سعی پژوهش حاضر نیز بر این خواهد بود که توضیح و تجزیه و تحلیل موضوع پایان‌نامه در چارچوب نظری کتاب تغییرات اجتماعی گوی روشه باشد. روشه در فصول دوم، سوم و چهارم کتاب خویش به ترتیب به عوامل و شرایط تغییر اجتماعی، کارگزاران تغییر اجتماعی و بالاخره به جریان توسعه و نوسازی پرداخته است که می‌توان علل و نحوه تغییرات اجتماعی ایران و ترکیه را با مباحث فصل دوم، ویژگی عمودی و آمرانه این تغییرات از سوی حاکمانی مثل رضاشاه و آتاتورک را با فصل سوم و اهداف و جهت تغییرات اجتماعی مذکور را با مباحث فصل چهارم این کتاب تطبیق داد.

۱-۹-۳- سازماندهی تحقیق

برای فهم بهتر مباحث و جلوگیری از پراکندگی مطالب، سازماندهی این پژوهش در پنج فصل انجام گرفته است. به این ترتیب که در فصل اول کلیات مربوط به تحقیق جهت ورود به بحث اصلی آورده شده است، در فصل دوم مبانی نظری تحقیق مورد بررسی قرار گرفته است. فصل سوم به مطالعه تغییرات اجتماعی صورت گرفته در ایران زمان رضاشاه مربوط می‌شود. در فصل چهارم، تغییرات اجتماعی رخ داده در ترکیه دوران آتاتورک بررسی می‌شود. فصل پنجم نیز به تبیین شباهت‌ها و تفاوت‌های این تغییرات اجتماعی صورت گرفته در دو کشور ایران و ترکیه می‌پردازد. همچنین در پایان فصول سوم و چهارم نتیجه‌گیری مختصری در قالب چارچوب نظری تحقیق ارائه شده و در پایان نیز نتیجه‌گیری کلی از تمام فصول صورت خواهد گرفت.